

الولاء والبراء في الاسلام

عقیدهى اهل سنت و جماعت در باب «ولاء وبراء»

لفضيلة:

الشيخ صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان

مترجم:

عبدالمتين

عقیده‌ی اهل سنت و جماعت در باب «ولاء و براء»	عنوان کتاب:
الولاء والبراء في الاسلام	عنوان اصلی:
الشيخ صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان	تالیف:
عبدالمتمین	مترجم:
دیگر مسائل عقیدتی (ایمان، جبر، اختیار، قضا و قدر، مهدی، انسان، شیطان، جن، ملک و...)	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
تیر (سرطان) ۱۳۹۵ شمسی، شوال ۱۴۳۷ هجری	تاریخ انتشار:
IslamTape.com	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....أ

مقدمه ۱

شناسه‌های ولاء و براء حول دو محور زیر می‌باشد ۴

اولاً: از جمله جلوه‌های ظهور دوستی کافران این‌ها هستند:..... ۴

دوماً: از نشانه‌های دوستی مؤمنان عبارتند از:..... ۱۰

تقسیم‌بندی انسان‌ها بر اساس دوستی و دشمنی..... ۲۱

مردم از این جهت به سه دسته تقسیم می‌شوند:..... ۲۱

دسته‌ی اول: کسانی هستند که باید خالصانه آن‌ها را دوست داشت و هیچ

گونه دشمنی نسبت به آن‌ها وجود نداشته باشد ۲۱

دسته‌ی دوم: کسانی هستند که باید آن‌ها را مبعوض دانست و با آن‌ها

دشمنی نمود طوری که هیچ‌گونه محبت و دوستی در حق آن‌ها نباید

انجام داد ۲۲

دسته‌ی سوم: کسانی هستند که از جهتی باید دوست و از جهت دیگر

دشمن دانست ۲۲

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله وصحبه ومن اهتدى بهداه،

وبعد:

بعد از محبت خدا و رسولش و محبت اولیاء خدا، دشمنی کردن با دشمنان خدا واجب است.

از جمله اصول عقیده‌ی اسلامی این است که هرکس متدین به این عقیده باشد بر او واجب است که اهل آن (اسلام) را دوست و دشمنانش را دشمن بدارد، اهل توحید و اخلاص را دوست بدارد و با آن‌ها دوستی کند و اهل شرک را دشمن بدارد و با آن‌ها دشمنی کند و این کار جزو دین ابراهیم و همه‌ی کسانی است که با آن‌ها هستند و ما نیز مأمور به اقتدا و تأسی به

آن‌ها هستیم. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ

وَحَدَهُ﴾ [الممتحنة: ۴] «قطعاً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست؛ آن‌گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید». و این کار جزو دین محمد نیز

هست؛ خدای تعالی می‌فرماید: ﴿لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الظَّالِمِينَ ﴿۵۱﴾ [المائدة: ۵۱] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را

دوستان (خود) مگیرید، بعضی از آن‌ها دوستان بعضی دیگرند. هرکس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید». این آیه بصورت خاص موالات و دوستی اهل کتاب را تحریم می‌کند و به صورت عام در تحریم دوستی کافران می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ ءَوْلِيَاءَ﴾ [المتحنة: ۱] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی مگیرید».

خداوند متعال محبت و دوستی کافران را هرچند نزدیک‌ترین افراد فامیل نیز باشند، تحریم نموده است چنانچه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ ءَوْلِيَاءَ اِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيْمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [التوبة: ۲۳] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر پدران‌تان و برادران‌تان کفر را بر ایمان ترجیح دهند (آنان را) به دوستی مگیرید و هرکس از میان شما آن‌ها را به دوستی گیرد، آنان همانا ستمگرانند». و می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَلَوْ كَانُوْا اٰبَاءَهُمْ اَوْ اَبْنَاءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيْرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲] «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشد، کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هرچند پدران‌شان یا پسران‌شان یا برادران‌شان یا عشیره‌ی آنان باشد، دوست بدارند».

بسیاری از مردم نسبت به این اصل مهم نادانند حتی من از کسانی که به عنوان اهل علم و دعوت مشهورند در مصاحبه‌هایی که با رادیوهای غربی انجام داده‌اند، شنیده‌ام در مورد مسیحیان گفته‌اند که آن‌ها برادران ما هستند، وای از این کلمات که خطر آن‌ها چه بسیار زیاد است.

همچنان که خداوند متعال دوستی کافران را که دشمن عقیده‌ی اسلامی هستند، حرام کرده است به همان صورت دوستی مؤمنان و محبت نسبت به

آن‌ها را واجب کرده است و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝﴾ [المائدة: ۵۵-۵۶]

«ولی شما خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که خاشعانه نماز بپا می‌دارند و زکات می‌دهند. و هرکس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، ولی خود بدانند، پس بدانید که حزب خدا همان پیروزمندانند.»

و می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹] «محمد پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر، با همدیگر مهربانند.» و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ «مؤمنان برادر یکدیگرند.»

مؤمنان هرچند از لحاظ نسب و وطن از هم دور باشند، در دین و عقیده با هم برادرند؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰] «و کسانی که بعد از آنان (مهاجرین و انصار) آمده‌اند، می‌گویند: پروردگارا بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفته‌اند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای قرار مده. پروردگارا به راستی که تو رؤوف و مهربانی.»

مؤمنان از آغاز خلقت تا انقراض عالم هرچند در زمین‌هایی دور از هم و در زمان‌های مختلف زندگی کرده باشند برادر و دوست‌دار همدیگرند، آخر آن‌ها به اولشان اقتدا می‌کند و برای همدیگر دعا و طلب استغفار می‌نمایند.

شناسه‌های ولاء و براء حول دو محور زیر می‌باشد

اولاً: از جمله جلوه‌های ظهور دوستی کافران این‌ها هستند:

۱- در پوشش و صحبت کردن در پوشیدنی‌ها و صحبت کردن خود را تشبیه به آن‌ها کردن و آدای آنان را در آوردن دلیل بر محبت آن‌هاست و پیامبر محبوب ﷺ می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم»^۱: «هرکس خود را به گروه و دسته‌ای شبیه کند از آنان است» بنابراین در هر آنچه مربوط به خصوصیات آن‌هاست از عادات و عبادات و نشانه‌های اخلاقی که جزو ویژگی‌های آنان به حساب می‌آید؛ مانند تراشیدن ریش، دراز کردن سبیل و با لغات آن‌ها بدون هیچ احتیاجی سخن گفتن و در چگونگی پوشیدن لباس و غذا خوردن و آشامیدنی‌ها خود را شبیه آنها کردن، حرام است.

۲- سکونت در ممالک آن‌ها و جهت حفظ دین از آن‌جا خارج نشدن، یکی دیگر از نشانه‌های دوستی با آنان است چون هجرت به این معنی و به قصد نجات دین و عقیده بر هر مسلمانی واجب است و ماندنش در مملکت کافران بر دوستی آنان دلالت دارد و به همین دلیل خداوند متعال اقامت مسلمانان را در بین کفار هنگامی که قادر به هجرت است، حرام کرده است. چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الظَّالِمِينَ أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ

^۱ - به روایت ابوداود.

الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾
 فَأُولَٰئِكَ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ ﴿٩٨﴾

[النساء: ۹۷-۹۹] «کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند هنگامی که فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان جایگاه‌شان دوزخ است و بد سرنجامی است. مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره‌ای نداشته باشند و راهی نیابند. پس آنان هستند که خدا از آنان درگذرد که خدا همواره خطابخش و آمرزنده است». در اقامت و سکونت در ممالک کافران، خداوند متعال جز مستضعفین که قادر به هجرت نیستند، کسی را معذور ندانسته است و به همان صورت کسانی هم که ماندن‌شان در ممالک کفر دارای مصلحتی چون دعوت اسلامی و نشر دین است اشکالی ندارد.

۳- سفر کردن به سرزمین کفر به قصد تفریح و گذراندن وقت سفر کردن به سرزمین‌هایی که مملکت کافران به حساب می‌آید جز در مواردی چون معالجه یا تجارت و یا تعلیم علوم تخصصی که تنها در صورت سفر به آن‌جا ممکن می‌شود، حرام می‌باشد. در این موارد خاص هم، مدت سفر باید به اندازه‌ی رفع احتیاج باشد و در صورت اتمام، برگشتن به ممالک اسلامی واجب است. شرایط جایز بودن این سفرها نیز هنگامی است که بتواند دینش را حفظ کند و از اماکن فساد خود را دور نگه دارد و از دسیسه‌های دشمنان دین و مکر و حیل‌های آن‌ها برحذر باشد و به همان صورت اگر سفر به قصد دعوت دینی و نشر اسلام باشد جایز و گاه واجب نیز می‌باشد.

۴- کمک کردن و همکاری نمودن‌شان علیه مسلمانان و مدح و ثنا و

دفاع کردن از آن‌ها از جمله اسباب ارتداد و نواقض اسلام است که به خدا پناه می‌بریم.

۵- درخواست کمک از آن‌ها و به آنان اعتماد نمودن و سپردن پست‌هایی به آن‌ها که باعث اطلاع از امورات پنهانی مسلمانان است و آن‌ها را محرم راز و طرف مشورت قرار دادن. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَآئِنْتُمْ أُولَآءِ يُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لِقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن تَمَسَّسْكُم حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمُ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾ [آل عمران: ۱۱۸-۱۲۰]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان کسی را همراز و دوست نگیرید از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان‌شان آشکار است؛ و آنچه در سینه‌های‌شان پنهان دارند بزرگتر است. در حقیقت ما نشانه‌ها را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید. هان شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید و آنان شما را دوست ندارند و شما به همه‌ی کتاب‌ها ایمان دارید؛ و چون با شما برخورد کنند می‌گویند: ایمان آوردیم و چون خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند. بگو به خشم خود بمیرید. که خداوند به راز درون دل‌ها داناست. اگر به شما خوشی‌ای رسد آنان را بدحال می‌کند و اگر به شما گزندی رسد بدان شاد می‌شوند». این آیات کریم پنهانی‌های کافران و اسرار آنان را نسبت به

مؤمنین نشان می‌دهد که چقدر بغض ایمان‌داران را در دل دارند و سعی آن‌ها در حق مؤمنان، مکر و خیانت و ضرر رساندن به آن‌هاست و این که به هر وسیله‌ی ممکن به آن‌ها ضرر برسانند و از اعتماد مسلمانان نسبت به خود در جهت ضرر رساندن به آنها سود می‌جویند. امام احمد از ابو موسی اشعری رضی الله عنه نقل می‌کند که گفت: به عمر رضی الله عنه گفتم: من یک نویسنده‌ی مسیحی دارم. در جوابم گفت: تو را چه شده است، خدا تو را بکشد! مگر فرموده‌ی پروردگار عالم را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [المائدة: ۵۱] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان (خود) مگیرید، بعضی از آن‌ها دوستان بعضی دیگرند». آیا او را به دوستی گرفتی؟ در جواب گفتم: دینش برای خودش و نویسندگیش برای من می‌باشد. گفت: اکرام مکن آن‌هایی را که خداوند پست‌شان نمود و برای‌شان عزت قرار مده بعد از آن که خداوند دلیل‌شان کرد و به آنان نزدیک مشو بعد از آن که خداوند دورشان نمود. باز امام احمد و مسلم هر دو روایت می‌کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله بسوی بدر حرکت کرد. یکی از مشرکین به دنبالش به راه افتاد و در نزدیکی حرة «که نام محلی است» به او رسید و آن‌گاه گفت: من می‌خواهم در این کار از تو پیروی کنم و همراه تو از نتایج آن بهره‌مند باشم. پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب گفت: به خدا و رسولش ایمان داری؟ جواب داد: خیر. آن‌گاه فرمود: «ارجع فلن أستعين بمشرك»: «برگرد که ما هرگز از مشرک درخواست کمک نمی‌کنیم.» با توجه به این نصوص برای‌مان روشن می‌گردد که سپردن کارهای مسلمانان به کافران که به واسطه‌ی آن از احوال

مسلمانان اطلاع می‌یابند و اسرارشان را کشف می‌کنند و مکر و ضررشان را نصیب مسلمانان می‌کنند، حرام است. از جمله چیزهایی که در این زمان بواسطه‌ی قدم گذاشتن کفار به سرزمین مسلمین - سرزمین حرمین شریفین - واقع شده این است که به عنوان کارگر، خدمت‌کار، راننده و مربی در خانه‌ها از آن‌ها استفاده می‌شود و با اهل و عیال خانواده آمیزش می‌کنند و در سرزمین مسلمین با آن‌ها مخلوط می‌شوند.

۶- تاریخ آن‌ها را مبنای تاریخ خود قرار دادن خصوصاً تاریخی که نشان از آداب و رسوم و اعیاد آن‌ها باشد؛ مانند: تاریخ میلادی همان چیزی که تولد مسیح علیه السلام را نشان می‌دهد چیزی که خود ساخته‌اند و جزو دین مسیح نیست. بکارگیری این تاریخ، مشارکت در زنده کردن شعائر و عیدهای آن‌هاست. به خاطر دور شدن از همین امر هنگامی که اصحاب رضی الله عنهم خواستند تاریخی را برای مسلمین در دوران خلافت عمر رضی الله عنه قرار دهند از تاریخ کافران روی برتافتند و هجرت رسول الله صلی الله علیه و آله را مبنای تاریخ اسلامی قرار دادند چیزی که دلالت بر مخالفت کافران در این مورد و در تمام مواردی که جزو ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌هاست، می‌کند.

۷- مشارکت کردن در اعیادشان یا کمک به برپا کردن آن یا تبریک گفتن به مناسبت آن یا حضور یافتن هنگام برپایی آن

این فرموده‌ی پروردگار را این‌گونه تفسیر کرده‌اند که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾ [الفرقان: ۷۲] یعنی از جمله صفات بندگان رحمان این است که در اعیاد کافران حاضر نمی‌شوند.

۸- بدون توجه به عقاید فاسد و دین باطل‌شان، آن‌ها را به خاطر تمدن

و پیشرفت و اخلاق مدح و ستایش کردن؛ الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِيَتَّبِعْتَنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ [طه: ۱۳۱] «و به زینت زندگی دنیا که گروه‌هایی از آنان را از آن بهره‌مند ساخته‌ایم تا آنان را در آن بیازماییم چشم مدوز. و روزی پروردگارت بهتر و ماندگارتر است». اما این به آن معنی نیست که مسلمانان متوسل به اسباب پیشرفت و ترقی در فراگیری علوم و فنون در رشته‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی نشوند؛ چون خداوند آنها را به آن تشویق فرموده است. آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ [الأنفال: ۶۰] «و هرچه در توان دارید آماده کنید».

و ضمناً این منافع و بهره‌مندی‌ها و اسرار نهفته نظام هستی در اصل از آن مسلمین است.

۹- در نام‌گذاری از آن‌ها تقلید کردن چنان‌که بعضی از مسلمانان نام‌های بیگانه و خارجی را برای فرزندان خویش انتخاب می‌کنند و نام‌های پدران و اجداد خویش و اسامی معروف و شناخته شده در جامعه‌ی خویش را رها می‌کنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خیر الأسماء عبدالله وعبدالرحمن»^۱: «بهترین نام‌ها عبدالله و عبدالرحمن است». و به واسطه‌ی همین تغییر اسامی، دوره‌ای از حیات مشاهده می‌شود که حامل اسامی غریبی است و همین امر سبب جدایی و انفصال این دوره با دوره‌های گذشته‌ی ما می‌شود و باعث عدم شناسایی افرادی که به نام‌های شناخته شده، می‌شود.

^۱ - به روایت امام احمد.

۱۰- طلب بخشش برای کافران و ترحم کردن به آن‌ها. در حالی که خداوند این عمل را تحریم کرده است؛ چنانچه می‌فرماید:

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْهُ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳] «بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، سزاوار نیست که برای مشرکان پس از آن که بر ایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند طلب آمرزش کنند، هرچند خویشاوند باشند.» چون طلب بخشش برای‌شان متضمن دوستی آن‌ها و صحیح دانستن آن چیزی است که آن‌ها معتقدند.

دوماً: از نشانه‌های دوستی مؤمنان عبارتند از:

۱- هجرت کردن به ممالک اسلامی و ترک بلاد کفر هجرت نقل مکان از سرزمین کفر به سرزمین اسلام است که هدف از آن حفاظت از دین و عقیده است. هجرت به این معنی و برای این منظور، واجب است و تا زمانی که خورشید از مغرب طلوع می‌نماید (یعنی تا) قیامت بر دوام است. رسول اکرم ﷺ از هر مسلمانی که در بین مشرکین اقامت نماید بیزاری جسته است. پس حرام است مسلمانی در ممالک کفر اقامت نماید مگر این‌که قادر به هجرت نباشد یا این‌که ماندنش مصلحت دینی چون دعوت اسلامی موجود باشد^۱؛ خداوند متعال

^۱ - البته در صورتی ماندن در سرزمین کفر حرام است که مسلمانان موجود در آن سرزمین، نتوانند شعائر دینی خویش را اقامه کنند و یا شرایط چنان باشد که آن‌ها را به سوی کفر سوق دهد و در ارتباط با مهاجرت باید گفت که باتوجه به قوانین سخت مربوط به مهاجرت و تابعیت و اقامت، امروزه کمتر کسانی می‌توانند اقامت کشوری را حاصل کنند هر چند که آن کشور اسلامی باشد و از طرفی وجود افرادی مومن در هر سرزمین کفر برای شناساندن دین اسلام به آنان الزامی است. (مصحح)

می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمْ أَمْلَكِيكُمْ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾﴾ [النساء: ۹۷-۹۹] «کسانی که بر خویشان ستمکار بوده‌اند هنگامی که فرشتگان جان‌شان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس آنان جایگاه‌شان دوزخ است و بد سرانجامی است. مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره‌ای نداشته باشند و راهی نیابند. پس آنان هستند که خدا از آنان درگذرد که خدا همواره خطابخش و آمرزنده است.»

۲- با مسلمانان در هر آنچه از امورات دین و دنیا به آن محتاجند با جان و مال و زبان همکاری نمایند؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [التوبة: ۷۱] «و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند.» و باز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَسْتَضْرَوْكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾ [الأنفال: ۷۲] «و اگر در کار دین از شما یاری جویند یاری آن‌ها بر شما واجب است مگر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی باشد.»

۳- در غم و شادی او شریک بودن: رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ

عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى»^۱: «مثل مسلمان در علاقه، عاطفه و ترحم‌شان به همدیگر، همانند جسدی می‌ماند که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضای بدن در تب و بی‌خوابی با آن همراهی می‌کنند.» و همچنین می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» و شبک بین أصابعه ﷺ^۲: «رابطه‌ی مسلمان با مسلمان چون ساختمانی است که برخی، برخی دیگر را محکم می‌سازد». سپس رسول خدا انگشت‌های خود را به همدیگر چسباندند.

۴- برای او خیرخواه و ناصح باشد و از حيله و نیرنگ علیه وی بپرهیزد؛ رسول الله ﷺ می‌فرماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۳: «هیچ‌کدام از شما مؤمن شمرده نمی‌شود تا برای برادرش دوست داشته باشد آنچه را که برای خویش دوست می‌دارد». و همچنین می‌فرماید: «المسلم أخو المسلم لا يحرره ولا يخذله ولا يسلمه، بحسب امرئ من الشر أن يحقر أخاه المسلم، كل المسلم على المسلم حرام دمه وماله وعرضه»^۴: «مسلمان برادر مسلمان است و او را تحقیر و خوار نمی‌سازد و او را به دشمنش تسلیم نمی‌کند، برای شرارت شخص کافیست که برادر مسلمانش را تحقیر کند؛ همه چیز مسلمان، خون و مال و آبرویش، بر مسلمان

^۱ - به روایت مسلم.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - به روایت بخاری.

^۴ - به روایت بخاری.

حرام است». و باز می فرماید: «لَا تَبَاعَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا تَتَّاجَشُوا وَلَا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^۱: «با همدیگر بغض و کینه نکنید و به همدیگر پشت نگردانید و با همدیگر بیع نجش^۲ ننمایید و بعضی از شما بر روی معامله‌ی بعضی دیگر معامله نکند. ای بندگان خدا با هم برادر باشید».

۵- به آن‌ها احترام گذاشتن و با آنان بردباری نمودن و از کوچک شمردن و عیب‌جویی کردن آنان خوداری کردن؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بئس الأسمُ الفسوقُ بعدَ الإيْمَنِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَEْعْضُكُم بَEْعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُم أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾﴾ [الحجرات: ۱۱-۱۲]

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و زنانی زنان دیگر. شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند. و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید؛ چه ناپسند است نام زشت بعد از ایمان. و هرکه توبه نکرد آنان خود

^۱ - متفق علیه.

^۲ - نجش یعنی این‌که شخص برای فریب مشتری چنین اظهار کند که می‌خواهد جنس را با قیمت بیشتری بخرد اما قصد خرید نداشته و صرفاً برای فریب و تحریک مشتری بر خرید آن جنس چنین کند. (مصحح)

ستمکارند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر نکنند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد؟ از آن کراهت دارید. از خدا بترسید که خدا توبه پذیر و مهربان است».

۶- در حال سختی و آسایش با او بودن برخلاف اهل نفاق، آن کسانی که در حالت آسایش و راحتی با مؤمنان بودند اما در وقت گرفتاری و مشکلات آن‌ها را رها می‌کردند؛ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النساء: ۱۴۱] «کسانی که منتظر شما نیستند پس اگر از جانب خدا به شما فتحی برسد می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ و اگر برای کافران نصیبی باشد می‌گویند: مگر بر شما تسلط نداشتیم و شما را از مؤمنان باز نمی‌داشتیم».

۷- به دیدار آن‌ها رفتن و از ملاقات نمودن و اجتماع کردن با آنان خوشحال بودن؛ در حدیث قدسی آمده است: «وَجِبَتْ مَحَبَّتِي لِلْمُتَزَاوِرِينَ فِيَّ»^۱: «محببت من در حق کسانی که به خاطر من به دیدار یکدیگر می‌روند واجب است». و در حدیث دیگر آمده است: «أَنَّ رَجُلًا زَارَ أَخَاهُ فِي قَرْيَةٍ أُخْرَى فَأَرْصَدَ اللَّهُ لَهُ عَلَى مَدْرَجَتِهِ مَلَكًا فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ قَالَ أَيْنَ تُرِيدُ قَالَ أُرِيدُ أَخًا لِي فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ قَالَ هَلْ لَكَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَةٍ تَرُبُّهَا قَالَ لَا غَيْرَ أُنِي أَحْبَبْتُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ

^۱ - به روایت امام احمد.

فَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ بِإِذْنِ اللَّهِ قَدْ أَحَبَبَكَ كَمَا أَحَبَّبْتَهُ فِيهِ»^۱: «مردی برادری از برادرانش را که در روستایی دیگر بود، ملاقات کرد؛ خداوند در راه او فرشته‌ای را موظف ساخت. وقتی به او رسید، پرسید: کجا می‌روی؟ جواب داد: در این روستا برادر (دوستی) دارم که به ملاقاتش می‌روم. فرشته گفت: آیا از تو بر وی نعمتی است که می‌خواهی بدان قیام نموده و در اصلاحش بکوشی؟ جواب داد: نه جز این که به واسطه‌ی خدا او را دوست دارم. (فرشته) گفت: من فرستاده‌ی خدا به سوی تو هستم بر این که خدا تو را دوست می‌دارد چون که تو او را به خاطر خدا دوست می‌داری».

۸- احترام نهادن به حقوق مسلمانان در خرید و فروش آن‌ها دخالت نمی‌کند مگر این که از انصراف آن‌ها اطلاع حاصل کند. کسی را که برادر مسلمانش خواستگاری نموده- مگر در صورت انصراف وی- خواستگاری نمی‌کند. متعرض مسائلی از امورات مباح که برادرش بر وی پیشی گرفته، نمی‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَلَا لَا يَبِيعُ الرَّجُلُ عَلَى بَيْعِ أَخِيهِ وَلَا يَخْطُبُ عَلَى خُطْبَتِهِ»^۲: «بدانید و آگاه باشید که هیچ معامله مردی بر روی معامله برادرش و هیچ خواستگاری بر روی خواستگاری وی روا نیست». و در روایت دیگری می‌فرماید: «وَلَا يَسْمُ عَلَى سَوْمِهِ»^۳ «بر روی قیمت او قیمتی نیست. (کسی نمی‌تواند بر روی معامله برادرش معامله نماید)».

۹- با ضعیفان به نرمی رفتار نمودن؛ پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ

^۱ - به روایت مسلم.

^۲ - متفق علیه.

^۳ - به روایت مسلم و ابن ماجه.

لَمْ يُوقَّرْ كَبِيرَنَا وَيَرْحَمَ صَغِيرَنَا»^۱: «کسی که به بزرگ‌تر ما احترام نگذارد و به کوچک ما رحم نکند از ما نیست». و باز می‌فرماید: «هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضَعْفَائِكُمْ»^۲: «آیا نصرت و روزی به شما داده می‌شود؟ مگر به برکت ناتوانان شما». پروردگار می‌فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ يُرِيدُونَ وَجَهَهُمْ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [الكهف: ۲۸]

«و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند، خوشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آن‌ها برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی».

۱۰- درخواست بخشش و دعا کردن برای مسلمانان؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَغْفِرْ لِدُنْيِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [محمد: ۱۹] «و برای گناهان خویش و مردان و زنان با ایمان طلب مغفرت کن». همچنین می‌فرماید: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ [الحشر: ۱۰] «پروردگارا بر ما و بر آن برادرانی که از ما در ایمان پیشی گرفته‌اند ببخشای».

توجه: در این آیه: ﴿لَا يَنْهَلِكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [المتحنته: ۸] «خدا شما را از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آن‌ها نیکی کنید و با ایشان

^۱ - به روایت ترمذی و احمد.

^۲ - به روایت بخاری.

عدالت ورزید، زیرا خداوند دادگران را دوست می‌دارد». معنای آن این است که هرکس از کافران مسلمانان را اذیت نکرد، با آنها نجنگد و آنها را از وطنشان بیرون نکند مسلمانان باید با وی با احسان و عدل معاملات دنیایی عمل کنند اما نباید در دل، آنها را دوست بدارند؛ چون خداوند فرموده است: ﴿أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ با آنها نیکی کنید و عادلانه رفتار نمایید و فرموده است: «توالوهم وتحبونهم» با آنها دوستی کنید و آنها را دوست بدارید. نظیر همین مسئله در فرموده‌ی الله تعالی در مورد پدر و مادر آمده است، چنان که می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾ [لقمان: ۱۵] «و اگر تو را وادارند تا در باره‌ی چیزی که تو را به آن دانشی نیست به من شرک ورزی، از آنان فرمان مبر و در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من باز می‌گردد». امام بخاری از عائشه رضی الله عنها روایت نموده که مادر اسماء دختر ابوبکر صدیق در حالی که مشرک بود، پیش وی آمد، ایشان از رسول الله صلی الله علیه و آله اجازه خواست. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: صله‌ی رحم بجای آور.

الله تعالی در آیه‌ی ۲۲ مجادله می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲] «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند کسانی را که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند هرچند پدران‌شان یا برادران‌شان باشند، دوست بدارند». بنابراین صله‌ی رحم بجا آوردن و مقابله به احسان و عدل کردن با کافرانی که به حال مسلمانان مضر نیستند موردی است و مودت و محبت و دوستی چیز دیگر است. چون به جا آوردن احترام

خانوادگی و رعایت اخلاق خوب در روابط زندگی باعث ترغیب و تشویق کافران به اسلام خواهد شد و صله‌ی رحم و خوش رفتاری در رفت و آمد از جمله وسائل دعوت اسلامی می‌باشد بر خلاف مودت و دوستی با کافران که دلالت می‌کند بر این‌که آن کافر نیز راهش درست است و نشان رضایت به کار اوست و همین امر باعث دعوت نکردنش به اسلام خواهد شد. و همچنین باید فهمید که تحریم دوستی با آن‌ها به معنی تحریم معاملات تجاری با آن‌ها و عدم داد و ستد به هر شکل و استفاده نکردن از اطلاعات و اختراعات آن‌ها نیست. رسول الله ﷺ پسر اریقث لیشی را استخدام کرد تا راه را به آن‌ها نشان بدهد در حالی که او کافر بود و گاه‌ها از بعضی یهودی‌ها قرض گرفته است و همیشه مسلمانان کالاهای تجاری و مصنوعات آنان را خریداری نموده‌اند و این عمل خرید در مقابل بها و پول بوده است و نشانه‌ی فضیلت و منت آن‌ها بر ما نیست. و همچنین این امر سبب محبت و دوستی آن‌ها نمی‌شود. پس الله تعالی محبت مؤمنین و دوستی آن‌ها و بغض کافران و دشمنی کردن‌شان را بر ما واجب کرده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ [الأنفال: ۷۲] «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که آنان را پناه داده‌اند و یاری نموده‌اند آنان یاران یکدیگرند». و تا آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۳] «و کسانی که کفر ورزیده‌اند یاران و دوستان یکدیگرند اگر این را به کار نبندید، در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد». حافظ ابن کثیر می‌گوید: ﴿إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ «این است که اگر از مشرکین دوری نجوئید و مؤمنین را دوست نداشته

باشید مردم دچار فتنه و فساد خواهند شد، حق و ناحق به هم می‌آمیزد و مؤمن و کافر با هم جمع می‌شوند و بازشناسی نمی‌گردند و همین امر سبب انتشار فساد در تمام جهات خواهد شد». می‌گوییم: و این همان چیزی است که در این زمان واقع شده است؛ و الله یاری کننده باشد.

تقسیم‌بندی انسان‌ها بر اساس دوستی و دشمنی

مردم از این جهت به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی اول: کسانی هستند که باید خالصانه آن‌ها را دوست داشت و هیچ‌گونه دشمنی نسبت به آن‌ها وجود نداشته باشد

این دسته همان مؤمنان خالصند که انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین جزو این دسته می‌باشند. در پیشاپیش این دسته رسول الله ﷺ قرار دارد که باید او را از نفس خود و اولاد و پدر و مادر و تمام مردم بیشتر دوست داشت. سپس همسران رسول الله ﷺ که مادران مؤمنان هستند و اهل بیت پاکش و اصحاب کرامش مخصوصاً خلفای راشدین و بقیه‌ی عشره‌ی مبشره و مهاجرین و انصار و اهل بدر و اصحاب بیعت رضوان سپس تمامی اصحاب رسول الله ﷺ سپس تابعین و اهل قرون بافضیلت (سه قرن اول اسلام) و سلف این امت و امامان‌شان چون ائمه‌ی چهارگانه را دوست بداریم. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰] «و کسانی که بعد از آنان (مهاجرین و انصار) آمده‌اند، می‌گویند: پروردگارا بر ما و بر آن برادران‌مان که در ایمان بر ما پیشی گرفته‌اند ببخشای و در دل‌هایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند کینه‌ای مگذار. پروردگارا راستی که تو رؤوف و مهربانی». هرکس ایمان در دل داشته باشد، اصحاب، سلف و پیشگامان این امت را دشمن نمی‌دارد. تنها اهل نفاق و منحرفین و دشمنان اسلام چون رافضی‌ها و خوارج آن‌ها را دشمن

می‌دارند؛ از پروردگار عالم عافیت و سلامتی را خواستاریم.

دسته‌ی دوم: کسانی هستند که باید آن‌ها را مبعوض دانست و با آن‌ها دشمنی نمود طوری که هیچ‌گونه محبت و دوستی در حق آن‌ها نباید انجام داد

این دسته کافران خالص از کفار، مشرکین، منافقین، مرتدین و ملحدین می‌باشند، هرچند در ظاهر دارای نام‌های جداگانه باشند. چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند (و در همان حال) کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند هرچند پدران، پسران، یا برادران‌شان یا عشیره‌ی آنان باشند، دوست بدارند». الله تعالی بنی اسرائیل را مورد عتاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: ﴿تَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿۸۰﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَسِقُونَ ﴿۸۱﴾» [المائدة: ۸۰-۸۱] «بسیاری از آن‌ها را می‌بینی با کسانی که کفر ورزیده‌اند دوستی می‌کنند. راستی چه زشت است آنچه از برای خود پیش فرستاده‌اند. خدا بر ایشان خشم گرفت و پیوسته در عذاب می‌مانند. و اگر به خدا و پیامبر و آنچه به سوی او فرود آمده ایمان می‌آوردند، آنان را به دوستی نمی‌گرفتند لیکن بسیاری از آنان نافرمانند».

دسته‌ی سوم: کسانی هستند که از جهتی باید دوست و از جهت دیگر دشمن دانست

دوستی و دشمنی در آن‌ها جمع می‌شود و آنان همان مؤمنان گنهکار

می‌باشند. بخاطر ایمان‌شان باید آنان را دوست داشت و برای ارتکاب گناه غیر از شرک و کفر باید نسبت به آن‌ها بغض داشت. محبت آن‌ها مقتضی نصیحت و خیرخواهی برای‌شان است، نباید در برابر معصیت آن‌ها سکوت کرد بلکه باید از آنان ایراد گرفت و کارشان را انکار کرد و آنان را به معروف امر و از منکر نهی نمود، حدود و تعزیرات را بر آن‌ها جاری کرد تا از معاصی دست بردارند و از گناهان توبه نمایند. اما در همان حال نباید به تمام معنی با آن‌ها دشمنی کرد و به طور کلی از آن‌ها اعلان برائت نمود همچنان‌که خوارج در مورد مرتکبین گناهان کبیره‌ی غیر از کفر و شرک، انجام می‌دهند. و بطور کلی نباید نسبت به آن‌ها محبت و دوستی نمود چنانچه مرجئه می‌گویند. بلکه باید به همان صورت که گفته شد در موردشان رعایت عدل شود. چنان‌که مذهب اهل سنت و جماعت چنین است. دوستی و دشمنی برای الله مهم‌ترین دستگیره‌ی ایمان است. چنان‌که در حدیث وارد است: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱: «انسان در روز قیامت با کسی است که او را دوست دارد.» هم اکنون اوضاع تغییر کرده، بیشتر دوستی‌ها و دشمنی‌های مردم بخاطر دنیاست. چه بسا با کسی دوستی کند که قادر به برآورده کردن یکی از آرزوهای او در دنیا باشد هرچند دشمن خدا و رسول و دین مسلمین باشد، او را دوست بدارد و با او دوستی کند. و برعکس با کسی که قادر به بر آوردن هیچ‌یک مطامع دنیوی او نباشد هرچند دوست خدا و رسول باشد بخاطر کوچک‌ترین سبب، دشمنی می‌کند و او را از دست داده و تحقیر می‌کند. ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: «من أحب في الله وأبغض في الله ووالى في الله وعادى في الله فإنها تنال ولاية الله بذلك، وقد

^۱ - متفق عليه.

صارت عامة مؤاخاة الناس على أمر الدنيا وذلك لا يجدي على أهله شيئاً^۱ «کسی که محبت و بغضش و دوستی و دشمنی‌اش بخاطر خدا باشد، می‌رسد به جایی که خدا او را دوست می‌دارد. در حالی که بیشتر محبت‌های مردم بخاطر دنیاست که چیزی را برای اهلش به ارمغان نمی‌آورد». و از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «إن الله تعالى قال: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا ، فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ»^۲: «الله تعالی می‌فرماید: هرکس با دوست من دشمنی نماید با او اعلان جنگ می‌کنم». شدیدترین مردم در دشمنی با خدا کسانی هستند که با اصحاب رسول الله ﷺ دشمنی می‌کنند و آن‌ها را مورد دشنام قرار می‌دهند و آن‌ها را فاقد عدالت می‌دانند درحالی که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي أَصْحَابِي لَا تَتَّخِذُوهُمْ غَرَضًا بَعْدِي فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَيُحِبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَيَبْغُضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يُوشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ»^۳ «زنهار در مورد اصحاب من از خدا بترسید و آن‌ها را بعد از من آماج کینه‌ی خود قرار ندهید. هرکس آنان را دوست بدارد من با محبتم او را دوست می‌دارم و هرکس با آنان بغض داشته باشد من با بغض خویش آنان را مبعوض می‌دارم و هرکس آنان را بیازارد مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد خدا را آزرده است در آن صورت نزدیک است مورد مؤاخذه قرار گیرد». و این امر تا آن جا پیش رفته که دشمنی اصحاب رسول الله ﷺ و ناسزاگویی به آن‌ها نزد بعضی از جماعات گمراه تبدیل به دین و عقیده شده است.

^۱ - به روایت ابن جریر.

^۲ - به روایت بخاری.

^۳ - ترمذی و غیره آن را روایت کرده‌اند.

نعوذ بالله من غضبه وأليم عقابه، ونسأله العفو والعافية، وصلى الله وسلم وبارك

على نبينا محمد وآله وصحبه.